

اخبار فرهنگی

سینما «خودی» و «نخودی» ندارد

یک کارگردان سینما در رابطه با انتظارات سینماگران از مدیریت سینمای کشور گفت: تقسیم کردن سینماگران به ۲ دسته «خودی» و «نخودی» توسط مدیران اصلاً شایسته نیست؛ این اتفاقی ناراحت کننده است که ما در نحوه ارتباط مدیران سینمایی با سینماگران شاهد هستیم و باعث شده تا همواره در حق بسیاری از اهالی سینمای کشور اجحاف صورت گیرد.
ابراهیم وحیدزاده افزود: سینما و سینماگران مادر حال حاضر بیشتر به حمایت و توجه مسئولان و مدیران نیاز دارند؛ متأسفانه این روزها شاهد اعمال سلیقه شدید مسئولان در مواجهه و برخورد با سینماگران و آثار سینمایی هستیم به نحوی که گاهی برخی فیلم‌ها که به اسم سینمای کم‌دی سرشار از شوخی‌های جنسی و... هستند به راحتی مجوز نمایش می‌گیرند و برخی دیگر که هیچ نکته غیر اخلاقی ندارند، در محاق قرار گرفته و با باممیزی و سانسورهای شدید مواجه می‌شوند. وی ادامه داد: این برخورد های سلیقه‌ای باعث ایجاد تفرقه و اختلاف در میان اهالی سینما نیز شده است و معلوم نیست چرا مدیران و مسئولان این کارها را انجام می‌دهند؟! گویا اصولاً رویه‌ای در میان آن‌ها باب شده که فقط در پی آن باشند تا از یک سینماگر حمایت کنند و یا سینماگر دیگری را متبأ و بی دلیل مقصر بدانند و جلو کار و فعالیتش را بگیرند!

■ ■ ■

سینمای ایران: نیکاری فزاینده ودست‌های مافیایی



کارگردان سینما و تلویزیون در رابطه با انتظارات سینماگران از مدیریت سینمای کشور گفت: سینمای ایران در حال حاضر نیاز به مدیری دارد که به فکر نیکاری فزاینده اهالی سینما، تأمین امنیت شغلی سینماگران و کوتاه کردن دست مافیای سینما باشد؛ متأسفانه مشکلات سینمای کشور این روزها بسیار عدیده و غیر قابل شمارش است و مادر بحرانی جدی به سر می‌بریم. داویدبیدل افزود: متأسفانه مادر سیستم سینمای ایران به اشخاص وابسته شده‌ایم و این اتفاق به دلیل فقدان یک سیاست‌گذاری اصولی، لازم‌الاجرا و قانونی در رابطه با اداره سینمای کشور است؛ قطعاً اگر ما مصوبه‌ای در رابطه با چگونگی اداره سینمای کشور داشتیم و بر اساس آن مصوبه سیاست‌های سینمای کشور تعیین می‌شد دیگر کسی نمی‌توانست بنا به مصلحت‌ها و سلیقه‌های فردی و حزبی و گروهی خود به اداره سینما بپردازد و مجبور بود برای اداره سینما تنها به قانون تمکین کند.
ماز تولید تا توزیع و پخش فیلم‌ها دچار مشکلات عمده‌ای هستیم و متأسفانه هر مدیری که رأس کار می‌آید بنا به سلیقه‌های شخصی‌اش این بخش‌ها را دچار تحول می‌کند؛ ما باید جلوی این اعمال سلیقه‌های شخصی در سینما را بگیریم و اجازه ندهیم سینمای کشور دستخوش تحولات سطحی و سلیقه‌ای برخی مدیران گردد. ■ ■ ■

جامعه‌زنان ایران پیش‌روتر از چیزی است که در فیلم‌ها دیده می‌شود

نشست مشترکي با حضور عضو هیات پارلمانی فرانسه و مدیران بنیاد سینمایی فارابی پیرامون افزایش همکاری‌های فرهنگی و هنری بر گزار شد. در این نشست، نماینده پارلمان فرانسه و مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی بر «پیگیری عقد تفاهم‌نامه تولید مشترک فیلم سینمایی بین دو کشور ایران و فرانسه» تأکید کردند.

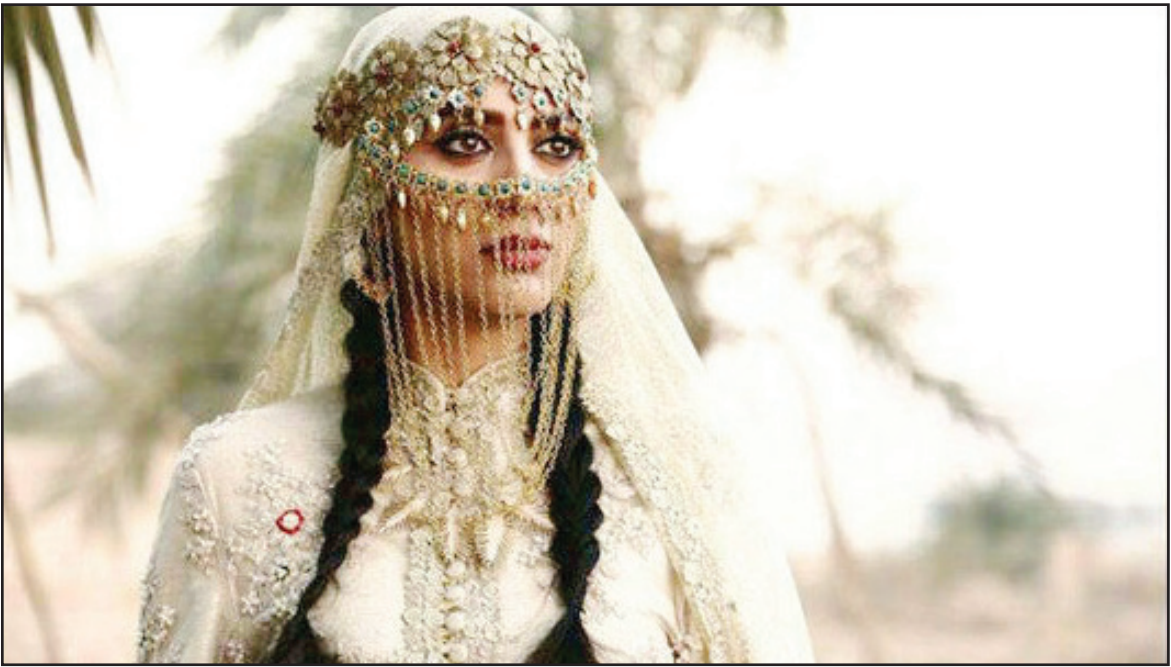
خانم دوما یکی از علل اصلی حضورش در ایران را، گفت‌وگو درباره همکاری‌های فرهنگی عنوان کرد. وی با تجلیل از پیشرفت‌های سینمای ایران، از سینما به عنوان ترجمان واقعیت‌های جامعه یاد کرد و افزود: به عنوان یک زن، به نظر من فیلم‌هایی که از ایران در جوامع و جشنواره‌های بینیم کمی محدود کننده است. برای مثال واقعیت جامعه زنان در ایران هنگامی که با آن در کشور مواجه می‌شویم پیش‌روتر از چیزی است که در برخی فیلم‌ها دیده‌ایم و این واقعیت باید در چار چوب سینما به جامعه جهانی هم منتقل شود.

این مقام پارلمانی فرانسه با اشاره به نقش سینما در بازتاب احوال جوامع تأکید کرد: ما به هیچ‌وجه درباره فیلم‌هایی با مضامین سیاسی حرف نمی‌زنیم، فیلم‌هایی که مدنظر من است، آن‌هایی است که تصویر کاملی از جامعه ایرانی ترسیم می‌کنند. همکاری سینمایی فرانسه و ایران طولانی مدت است و فرانسوی‌ها علاقه دارند در ایران کار کنند.

در زندگی توزنی است که لبانش خوشه‌های انگور است و لبخندش موسیقی

بازگشت فرشتگان صلح به سینما

اکنون وقت آن رسیده و امکان آن مهیا شده است بگوئیم که جنگ، هر چند در ذات خود، و در جهت دفاع از میهن و ملت، مقدس بود، اما بدهم بود؛ چه کسی جنگ را دوست دارد؟ و چه کسی خواهان مردن و تکه تکه شدن است؟ همه ما تحت هر شرایط دل‌مان می‌خواهد در صلح و سلامت زندگی کنیم و برای صلح و امنیت و سلامت، نه سلاح که گفت وگو و دیپلماسی لازم است. جهان دیگر جایی و نفسی برای جنگ ندارد.



شده و آنان را به خاکی که در آن ریشه دوانده‌اند، وابسته و عاشق کرده است. همه مردمانی که در این سرزمین زندگی می‌کنند، با هر لهجه و هر زبانی، خود را فرزندان این سرزمین می‌دانند و در پی آنند که حلقه‌ای باشند در زنجیر این اتحاد و یگانگی.

یکی از برجسته‌ترین اتفاق‌های «ماهورا» همین رفت و آمدهای زبانی است. این که تسلط به هر دوزبان قومی و ملی، چگونه موجب در هم تنیدگی و انسجام یک ملت می‌شود. «ماهورا» علاوه بر همه این‌ها، نگاهی است ارزش‌گذار بر اعتقادات و سنت‌های قومی؛ قومی که ریشه در تاریخ دارد و با سنت‌هایش تا به حال دوام آورده است؛ قومی که طبق سنت خود، می‌خواهد زیباترین دختر قبیله را به آب بسپارد تا از «هور»، برکت و امنیت دریافت کند. و در این ماجرا، تمام افراد قبیله هم‌رای و هم‌پیمان

می‌خواهد در صلح و سلامت زندگی کنیم و برای صلح و امنیت و سلامت، نه سلاح که گفت وگو و دیپلماسی لازم است. جهان دیگر جایی و نفسی برای جنگ ندارد.

پس «ماهورا» روایتی است سرشار از زندگی و پوینگی‌اش، در بستر جنگی که چون آتشی بر جان مردمان افتاده است.

«ماهورا» می‌خواهد بگوید من هم هستم؛ دوشیزه‌ای که می‌تواند عروس هور شود، آن را بارور کند و زندگی را به قبیله بازگرداند. ماهورا، فدیة و قربانی ایل و قبیله‌ای است که می‌خواهد هر طور شده دوام بیاورد و زنده بماند و تاریخش را ادامه بدهد. با چنین رویکردی به فیلم «ماهورا» نگاه می‌کنیم.

یک نگاه متفاوت به جنگ

«ماهورا»، نگاه تازه و متفاوتی است به جنگ، جنگی که در آن، تمام اقوام ایرانی، برای دفاع از سرزمین‌شان، سهمیم بودند. اقوامی که با وجود داشتن یک زبان تاریخی و قومی، همه در نهایت به یک زبان، فارسی، تکلم می‌کنند. برای آنان که هم به زبان قوم خود سخن می‌گویند و هم فارسی می‌دانند، رفت و آمد بین این دو زبان، و در هم آمیختن این دو زبان هنگام سخن گفتن، بسیار طبیعی است. در «ماهورا» نیز چنین اتفاقی می‌افتد، زبان قوم و زبان فارسی، زبان قلب و عقل مردمان است که در هم آمیخته

یادداشت

نکاتی درباره روانشناسی جنگ

مردمانی از جنس غیرت و ایثار

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

داستان فیلم «ماهورا» براساس رویدادی واقعی، مربوط به اوایل جنگ و تجاوز رژیم بعثی عراق به ایران عزیزمان ساخته شده است. سوژه «ماهورا» اتفاقات جنگ را با داستانی عاشقانه پیوند زده و در این میان تحولات و آسیب‌های ناشی از جنگ را که چگونه زندگانی طایفه‌های عرب زبان خطه جنوبی مرز کشورمان را دست‌خوش تغییر قرار داده است روایت می‌کند. ماجرای «ماهورا» در واقع داستانی عاشقانه را در بستر وقایعی تاریخی به تصویر می‌کشاند که زائیده تخیل نویسنده نیست و براساس یک واقعیت تاریخی شکل گرفته است و با توجه به اتفاقاتی که در خلال داستان رخ می‌دهد در نهایت موضوع فیلم به مسائل قبیله‌ای و جنگ‌های خانوادگی میان عشیره‌های عرب زبان کشیده می‌شود. خلاصه داستان ماهورا مربوط است به روستایی واقع در مرز ایران و عراق که عشیره‌های عرب -ایرانی براساس قواعد سنتی خاص خود زندگی می‌کنند. در این روستا رسم بر این است که زیباترین

toseeirani.ir

نوع مطلب:

هور می‌شود و برای به جنگ آوردن دوشیزه قربانی، جنگ خود را آغاز می‌کند!

زمانی برای تغییر زاویه دوربین

هر چند دیر، اما بالاخره به این جا رسیدیم؛ به این جا که لازم بود: به نگاهی تازه از زاویه‌ای دیگر، به مردمان و قبایلی که در گیرودار جنگ، گرفتار تمام مصایب آن بودند و تا حدودی نادیده گرفته شده و فراموش شدند. اما این خاصیت تاریخ است که هر چه ما بخواهیم پنهان یا فراموش کنیم، از هر کنج و زاویه ممکن خود را علنی می‌کند و به رخ می‌کشد؛ چیزهایی را که ندیده‌ایم یا به سادگی از آن‌ها عبور کرده‌ایم، تاریخ روی دامن‌مان می‌ریزد و وادارمان می‌کند دوربین‌مان را به آن سمتی که امروز لازم‌تر است بچرخانیم. این قبیله‌ها، این اقوام هم در جنگ بودند. این مردمان از قضا در دل جنگ بودند. جنگ بر آن‌ها بارید و بر آن‌ها فرود آمد؛ آن‌ها نه سرباز و بسیجی بودند و نه رزمنده، مردمان معمولی بودند.

سمور هم قربانی است

در این گیرودار است که امین، مرد افسرده‌ای که هر بار عاشق زنی شده، او را از دست داده و مردم او را نفرین شده می‌دانند، وارد معرکه‌ای می‌شود که افسردگی و انزو او را به زندگی بدل می‌کند؛ او یک ناجی است. او می‌خواهد این بار علی‌رغم تمام مرگ‌هایی که با آن‌ها مواجه شده و در مقابل‌شان کوتاه آمده، خلبان افتاده در هور را نجات دهد و او را به زندگی و به امنیت بازگرداند. او خود را در این راه به هر آب و آتشی می‌زند. او سموری است که شنا کردن در هور را به خوبی بلد است، زیر و بم هور را می‌شناسد و از همین جاست که خلبان رو به مرگ را پیدا می‌کند و برای نجاتش، دست و پا می‌زند. سمور و روزگار ش هیچ ربطی به خط مقدم جنگ ندارد، اما او نیز سهمش را به جنگ می‌پردازد؛ هم چنان که همه مردم سهم‌شان را می‌پرازند و همین است نگاه تازه «ماهورا». با تمام ضعف‌ها و قوت‌هایش.

این همه کنش و اکشن لازم نبود!

ماجرای مردمی که در بستر جنگ و هول و ولایش، زندگی می‌کنند، عشق می‌ورزند، دنبال سنت‌های‌شان هستند، قربانی می‌دهند و به هر حال هستند، نباید تا این حد درگیر کلیشه‌های کلاسیک جنگی و انفجار و صحنه‌های اکشن می‌شد. به نظر می‌رسد، فیلم برای این که نشان دهد واقعاً یک فیلم جنگی است به

ماجرای مردمی که در بستر جنگ و هول و ولایش، زندگی می‌کنند، عشق می‌ورزند، دنبال سنت‌های‌شان هستند، قربانی می‌دهند و به هر حال هستند، نباید تا این حد درگیر کلیشه‌های کلاسیک جنگی و انفجار و صحنه‌های اکشن می‌شد

هستند، حتی دوشیزه‌ای که قرار است قربانی شود، با طیب خاطر می‌پذیرد که تن به تن هور بسپارد تا قبیله‌اش به آب و برکت دست یابند. و ماجرا درست از جایی آغاز می‌شود که عشق یک مرد به ماهورا، در برابر تمام باور‌ها و سنت‌های قبیله قرار می‌گیرد؛ مرد عاشق، رقیب



نوع مطلب:

هر چند دیر، اما بالاخره به این جا رسیدیم؛ به این جا که لازم بود: به نگاهی تازه از زاویه‌ای دیگر، به مردمان و قبایلی که در گیرودار جنگ، گرفتار تمام مصایب آن بودند و تا حدودی نادیده گفته شده و فراموش شدند

این ترفندها متوسل شده، اما واقعیت این است که صحنه‌های پر تب و تاب و ملتهب جنگی، بر قامت فیلم‌نشنسته است و تا حدود زیادی برای تماشاگر، حوصله سر بر است و از بار عاطفی که فیلم بر مبانی آن شکل گرفته، می‌کاهد. این جا، قبیله سمور است و ماهورا، عروس هور، و درست است که فضای حاکم، فضای جنگ است، اما این جا، زندگی می‌خواهد خودش را روایت کند، به همین سادگی!

قوت‌هایی که باید ستوده شوند

زاویه و نگاه دوربین در زیر آب، ستودنی است؛ تماشاگر هم عمق را حس می‌کند، هم طراوت را و هم تطهیر را. لوکیشن‌های گرفته شده از صحنه طبیعی هور و در آمیختن آن با صحنه‌های جنگی و زندگی مردم، قابل تامل است.

از زبان، از دوزبان و آمیختگی‌شان، به خوبی استفاده شده، هر چند برخی بازیگران، در ادای زبان عربی و رساندن لهجه، چندان تمرین کرده و جدی نبودند و می‌شد این نقص را مثل هر هنرپیشه کاربلدی با تمرین بسیار جبران کرد.

زرگر نژاد، به نمادها و سنت‌ها خوب نگاه کرده و از آن‌ها خوب و گاهی خیلی خوب، استفاده کرده است؛ جای این نمادها و نشانه‌ها، این سنت‌ها و خرده فرهنگ‌ها، در شناخته شدن و نیز در پیوستگی و همبستگی ملی ما، بسیار خالی است. اغلب هنرمندان ما، معمولاً درگیر همان صحنه‌ها و لهجه‌ها و طرح‌های کلیشه‌ای و حتی باسمه‌ای ایران مرکزی و گاه شمال کشور هستند. ماز اقوام جنوب و با زندگی‌شان، زبان‌شان، سنت‌ها و عرف‌های‌شان، ارتباط و آشنایی اندکی داریم و شاید به همین دلیل است که گاه حس واگرایی‌مان نسبت به این اقوام بیشتر است تا احساس پیوستگی‌مان. فیلم‌هایی مثل «ماهورا» و نیز «تنگه ابوقریب» آغاز‌های خوش‌یمنی هستند برای چنین پیوندها و ارتباط‌هایی.

روانشناسی از منظر آسیب‌شناسی معتقد است «جنگ» به عنوان یک رویداد استرس‌زا، در بروز و تشدید اختلالات رفتاری و روانی نقش بسیار حائز اهمیتی دارد؛ افرادی که مستقیماً در جنگ شرکت می‌کنند به عنوان اولین قربانیان این واقعه تلخ و اسفناک در معرض تروماهای شدید ناشی از این بلاي خانمان سوز قرار می‌گیرند بطوریکه اثرات جنگ تا پایان عمر در عمق وجود رزمندگان، ایثارگران، مجروحان، معلولان و همچنین خانواده‌های این عزیزان نفوذ می‌کند و آسیب‌ها و لطمات جبران‌ناپذیری را به لحاظ سلامت جسمانی و روانی می‌رساند. قربانی می‌دهند و به هر حال هستند، نباید تا این حد درگیر کلیشه‌های کلاسیک جنگی و انفجار و صحنه‌های اکشن می‌شد. به نظر می‌رسد، فیلم برای این که نشان دهد واقعاً یک فیلم جنگی است به

خودجوش و رشادت‌های بی‌بدلیل خود اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک سرزمینمان توسط دشمن تصرف شود. از منظر روانشناسی «جنگ» همواره یک موضوع جدی و مختل‌کننده برای بهداشت عمومی جامعه بوده که سرچشمه بسیاری از ناراحتی‌ها و آسیب‌های روحی - روانی می‌باشد. ازاین‌رو روانشناسان با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه روانشناسی جنگ بر این باورند، هر گاه انسان در راه رسیدن به اهدافش با موانعی روبرو شود که وی را از راه رسیدن به مقاصد خود محروم نماید، اقدام به پرخاشگری و ویرانگری می‌کند؛ و در نهایت استعداد درونی، قدرت تجاوز و پرخاشگری که در درونش نهفته است را به طرز افراطی و مضر در قالب جنگ ظاهر می‌کند. بنابراین کارشناسان روان‌شناسان معتقدند جنگ به همراه مشتقاتش از هر نوعی که باشد سبب ویرانگری چهره انسان‌ها به لحاظ جسمانی - روانی و همچنین باعث نابودی چهره سرزمین و خاک یک ملت می‌شود. برآستی هیچ انسانی در هیچ نقطه‌ای از دنیا که جنگ، ویرانی، خشونت و خون‌ریزی، درگیری مسلحانه وجود داشته باشد، نمی‌تواند به ادامه زندگی نوید بخش امیدوار باشد؛ از اینرو انسان در چنین شرایطی نمی‌تواند رشد کند و گویی روح آدمی می‌میرد و در وجود وی جز نفرت، خشم، ناامیدی و فلاکت عناصر دیگری را بر جای نمی‌گذارد. جامعه